

تحدید، گام اول تشخیص مکان

کنده شدن از وجود بسیط، نخستین مرحله در ظهور تشخیص و تبیین ماهیت است. وجود، همه هست و چیز نیست؛ ماهیت و چیستی ندارد. فقط هست. آن‌گاه که پاره‌ای از آن جدا می‌شود است که نام و اسم پیدا می‌کند. چیزهای عالم، پاره‌های هستی‌اند که با تحدید قابلیت‌های خود، چیزی شده‌اند و ماهیتی جداگانه یافته‌اند. در مسیر ماهیت‌یابی، نخستین اقدام، خط‌کشی میان شیء جدید با بقیه وجود است. مراتبی از وجود را دارد اما در جاهایی که خود را جدا کرده، محدودیت دارد. بخش جداشده از هستی، اگرچه در وجود با منشأ خود مشترک است، اما به واسطه برخی صفات و ویژگی‌های خاص «شیء و چیزی» می‌شود که با نام همان «واسطه» خوانده می‌شود. در فرایند تشکیل ماهیت، گام اول تعیین مرز و حدود است. مرز، استقلال موجود را تأمین می‌کند. همان مرز، مرتبه شیء را تعریف می‌کند و با صفاتی که ناشی از مرتبه اوست، ماهیت شیء تبیین می‌شود. در ساحت وجود، اراده آفرینش چیستی جدید، مقدم بر لوازم آن از جمله لبه و مرز است؛ اما در عالم ماده، تعیین حدود، شرط پیدایش ماهیت جدید است. لبه و مرز در ساحت ماده نیز شرط شخصیت‌یابی و جداسازی است. لبه، پایان دامنۀ یک چیستی را اعلام می‌کند و آغاز چیستی دیگر را بیان می‌کند.

دزفول در آغاز در حاشیۀ رود دز تشکیل شد. دژپل، قلعه‌ای که برای نگهداری از پل برپا شده بود، نخستین محله شهر بعدی دزفول بود که چسبیده به ساحل دز، شهر را تدریجاً در عرصۀ بیکران دشت پدید می‌آورد. رود اگرچه لبه و مرز شهر بود، اما ساختار شهر را شکل می‌داد و سازمان فضایی شهر را متأثر از خود می‌کرد. مرز رود آن قدر قوی بود که تا چند دهه قبل، شهر را در یک طرف خود داشت. گویی در طول هزار و چند صد سال عمر دزفول، هیچ اندیشه‌ای جرأت عبور از لبه و فکر کردن به طرف دیگر را نداشت. شکل‌گیری و توسعه شهر، نه در فرار از لبه رود به معنای محدودیت جهت توسعه، بلکه با کشش لبه به سمت خود و استقرار حداکثری در حاشیۀ آن بود. لبه آنقدر قوی بود که در باور اهالی نیز آن سوی رود جایی پست و کم‌بها در قیاس با این‌سو شناخته شد. حتی طرح جامع نیز که بی‌پروا از نقش رود در قلمروسازی دزفول به آن طرف به‌عنوان اراضی سهل‌الوصول و ارزانی نگاه کرد که با یک پل داخل بافت شهر می‌شود، نتوانست با همه تمهیدات خود دوقطبی این‌سو-آن‌سو را تعدیل کند. همچنان رود، مرز درون و بیرون و شهر و بیابان باقی ماند. قلمرو، به‌مثابۀ سرزمینی که انسان با ربط دادن عناصر آن به یکدیگر و به خود، محدوده‌ای ذهنی ترسیم می‌کند و تعلقات خود را در آن پدید می‌آورد، با تحدید پدید می‌آید. قلمروسازی روش استقرار انسان در فضا است. مفهوم‌سازی از بخشی گزیده از دنیای بی‌نهایت پیرامون است به اعتبار عناصر درون آن و از همه مهم‌تر تعیین یک مرز با آنچه در بیرون است. حصار در مالکیت، افزون بر نقش قانونی و حمایتی، مظهر فاصله میان من و غیر است. قلمروسازی می‌کند و به ساکنان درون تعریف و هویت خاص می‌بخشد. این کار به واسطه قلمروسازی و آن هم به واسطه تبیین مرز و لبه ممکن می‌شود. والا تشخیص‌های اجتماعی و تاریخی امکان ظهور پیدا نمی‌کنند و عالم در حد تشخیص‌های اولیه جغرافیایی و طبیعی باقی می‌ماند. از این‌روست که در فرایند برنامه‌ریزی فضایی از جمله طرح‌های جامع و تفصیلی برای توسعه شهر، لازم است تا نقش بنیادین عناصر اصلی سازمان فضایی و منظر شهری که زمینه‌ساز و بستر فهم از شهر هستند و واقعیت مفهوم شهر را می‌سازند، با دقت شناخته و حفاظت شود تا حس شهر و ادراک کلی شهروندان از شهر خود، تداوم پیدا کند. احساس تداوم هویت و زندگی در شهری که از قدیم بوده است، در زمره گرانبهاترین دستاوردهای برنامه‌های توسعه است. چنین رویکردی به عناصر پایه سرزمینی می‌تواند امکان توسعه مکان‌محور که برپایه شناخت سرزمین به‌مثابۀ «مکان» استوار است را فراهم آورد. اگرچه در شرایطی که اولین انتظارات از برنامه توسعه شهری، عبور سریع‌تر در خیابان‌ها و دفع آب‌های سطحی و جلوه‌فروشی برای ایجاد شهر مدرن است، صحبت از رویکرد مکان‌محور در توسعه شهری قدری بعیدالوصول به نظر می‌رسد، ولی چه می‌توان کرد که تا با گفتن و نوشتن، شناخت اراده‌ای خلق نشود، محصولی هم نخواهد روید.

مدیرمسئول
سیدامیر منصوری
amansoor@ut.ac.ir

ژئوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۳). تحدید، گام اول تشخیص مکان. منظر، ۱۶ (۶۹)، ۳.

DOI: 10.22034/MANZAR.2024.211796
URL: https://www.manzar-sj.com/article_211796.html

